

رابطه آزاد اندیشی و تعقل با تاکید بر آیه 170 سوره بقره

فاطمه بتکن¹

چکیده

قران هنگامی نازل شد که مردم در جاهلیت میزیستند ، آنان دین و مسیر خود را تنها با تقلید از گذشتگان انتخاب میکردند و هیچ تفکری در آن راه نداشت. اسلام نیز دینی است که همواره بشر را هدایت کرده و در کنارش، انسان را آزاد هم گذاشت و هیچ اجباری در آن نبوده است. در این مقاله درصدد پاسخ به دوسوال اصلی بودیم 1. آزاد اندیشی و تعقل در قران به چه معناست؟ 2. با تاکید بر آیه 170 سوره بقره چه رابطه ای میان این دو وجود دارد؟ با بررسی های انجام شده و با روش تحلیل توصیفی و استفاده از آیات قرآن، کتاب تفسیری ومقالات... با توجه به معنای آزاد اندیشی وتعقل به این نتیجه رسیدیم که ، آزاد اندیشی از منظر قران ، یعنی بدون اجبار دین اندیشه کردند و به نتایجی دست یابیم که صحیح نیز باشد ، تعقل نیز یعنی نیرویی که انسان به وسیله ی آن به حقایق درست دست پیدا میکند. بین آزاد اندیشی وتعقل سه رابطه وجود دارد: عبرت گیری از گذشتگان ، درک عمیق یافته های ناشی از عبرت ، نقد عالمانه ومنصفانه از ادراک خویش. عبرت گیری از گذشتگان در مورد پند از اجداد گذشته و نحوه زندگی بوده که با تعقل آنچه را که نادرست است انجام ندهیم. در مورد درک عمیق یافته ها هم یعنی آنچه که عبرت گرفتیم را بفهمیم نقد عالمانه هم یعنی بررسی کنیم و با انصاف و عقل آنچه راحق است برگزینیم.

کلید واژه: آزاد اندیشی ،تعقل،عبرت،درک ، نقد

مقدمه

1 . طلبه سال چهارم ، مدرسه علمیه خواهران فاطمه الزهرا سلام الله علیها قائم شهر

خداوند در قران کریم، کتاب اسمانی مسلمانان، که در بردارنده ی تمامی ابعاد زندگی انسان هاست، مسیر درست زندگی دنیوی و اخروی را با تکیه بر مسائل دینی، عقلی، فلسفی، عرفان و... بیان کردند و همواره راه را نشان دادند. با نزول قران، راه های هدایت را برای انسان ها روشن گردید و پیامبران بسیاری را جهت راهنمایی فرستاده تا دین را تمام کند. هنگامی قران نازل شد که مردم در گمراهی کامل بودند و جاهلانه میزیستند و قصد بازگشت از دین خود را نیز نداشتند. دین اسلام دینی است که از ابتدا بدون اجبار دعوت به پذیرش کرده خداوند در قران کریم خداوند با عنایت تعقل به انسان ها، او را از دیگر موجودات متمایز ساخته، بنابر این انسان موظف است با قوه تعقل خویش این راه را ببیماید. ازادی و اختیار موهبتی الهی است و زمانی که انسان در شرایط و چارچوب این ازادی قرار گیرد شخصیتش ارتقا میابد. اندیشه ازاد امکان کشف روابط و قوانین حاکم بر آفرینش و حقیقت علوم را روشن میکند و باعث تعالی دنیوی و اخروی و در نهایت سعادت است. بنابر این تفکر سالم توأم با ازاد اندیشی موجب تعالی بخشی است. یکی از آیاتی که خداوند در این مورد به آن اشاره کرده است ایه 170 سوره بقره، که میفرماید: «وَ إِذَا قِيلَ لَهُمُ اتَّبِعُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ قَالُوا بَلْ نَتَّبِعُ مَا أَلْفَيْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا أَوْ لَوْ كَانَ آبَاؤُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ شَيْئاً وَ لَا يَهْتَدُونَ» و چون کفار را گویند: پیروی از شریعت و کتابی که خدا فرستاده کنید، پاسخ دهند که ما پیرو کیش پدران خود خواهیم بود. آیا بایست آنها تابع پدران باشند گر چه آن پدران بی عقل و نادان بوده و هرگز به حق و راستی راه نیافته باشند؟²

پرسش ما این است که ازاد اندیشی و تعقل در قران به چه معناست؟ و با تکیه بر ایه 170 سوره بقره چه رابطه ای میان این دو وجود دارد؟ با مطالعات صورت گرفته در این باره میتوان به مقاله هاجر محسن زاده که با عنوان موانع تعقل از دیدگاه قران و روایات اشاره کرد که در باب تعقل و ازاد اندیشی به صورت جداگانه اشاره کردند. همچنین مقاله بررسی تعقل از منظر قران باتکیه بر تفسیر المیزان نوشته معصومه شمسی پور که عقل را با تکیه بر تفسیر المیزان بررسی کردند، همچنین میتوان به مقاله اسیب شناسی ازاد اندیشی از دیدگاه قران و نهج البلاغه نوشته زینب الماس پور اشاره کرد که اسیب های ازاد اندیشی را از دیدگاه نهج ابلاغه و قران بررسی کرده است، در ادامه میتوان به مقاله بررسی و تحلیل تطبیقی مبانی و اصول ازاد اندیشی از منظر اسلام و لیبرالیسم نوشته محمدرضا شاه فصل مقصدی و همچنین مقاله ازادی اندیشه در اصول فقه از دیدگاه امام خمینی (ره) نوشته ابراهیم علی عسگری واشوری نیز اشاره کرد.

منابع عام و کتبی نیز در این زمینه نوشته شده اند که در کتاب المیزان علامه سید محمدحسین طباطبایی که در مورد شاخصه های آزاد اندیشی تفسیر هایی بیان شده است. همچنین در کتاب طرح کلی اندیشه اسلامی قران کریم نوشته استاد سید علی خامنه ای که طی جلساتی آزادی حقیقی و مباحث تعقل را توضیح دادند. در تفسیر نمونه نوشته ناصر مکارم شیرازی و تفسیر نور محسن قرآنی در مورد تفسیر سوره بقره و تعقل و آزاد اندیشی تفسیر هایی انجام گرفته است.

اما در این مقاله که بیشتر جنبه تفسیری دارد، با تاکید بر ایه 170 سوره بقره در مورد آزاد اندیشی و تعقل با تکیه بر قران و تفاسیر به رابطه این دو میپردازیم.

مفهوم شناسی

در این مقاله ما از تعدادی واژگان و کلمات استفاده کردیم که لازم است از نظر لغوی و اصطلاحی آن را بررسی کنیم:

1. آزاد اندیشی: واژه آزاد اندیشی معادل Freethinker برای نخستین بار در انگلستان توسط آنتونی کالینز (1678-1729) به کار رفت. وی در مهمترین کتابش به عنوان گفتاری در باب آزاد اندیشی A Discourse of free Thinking که در سال 1713 منتشر کرد به تفصیل درباره مفهوم و مصادیق آزاد اندیشی سخن گفت. کالینز در قلمرو اندیشه رابطه نزدیکی با جان لاک فیلسوف تجربه گرای انگلیسی داشت. گویا مسلک تجربه گرایی لاک در وی و رویکردش به این موضوع بی تاثیر نبود؛ چرا که وی آزاداندیشی را رهایی از سنت های دینی می دانست و بر آنها می تاخت. از نظر این دسته از فیلسوفان سنت های دینی به دلیل اینکه به معیارهای تجربه حسی چندان اتکا ندارند، نمی توانند مبنای خوبی برای اندیشه آزاد باشند³

2. تعقل: عقل به نیرویی می گویند که آماده پذیرش علم است. همچنین به علمی که به وسیله آن به دست آید.⁴ همچنین «عقل» به معنای طنابی است که بر پای شتر می بندند تا حرکت نکند.⁵ «عقل»؛ یعنی کسی که نفس خود را حبس کند، و نگذارد که هواها به او سرایت نماید. آنجا که نیروی عقل انسان را از کارهای

3. محمد تقی مصباح یزدی، جامعه و تاریخ از دیدگاه قران، قم: انتشارات موسسه و پژوهشی امام خمینی (ره)، ص 237

4. راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، بیروت، دارالعلم دار الشامیه، 1412ق، ص 341

5. خلیل بن احمد فراهیدی، العین، قم: موسسه نشر اسلامی، 1410ق، ج 1، ص 159/ ابن شعبه حرانی، تحف العقول، ترجمه علی اکبر غفاری، تهران: نشر کتاب، ج 1، ص 307

ناهنجار باز می‌دارد، به آن عقل گفته می‌شود. اگر در روایات آمده است: «الْعَقْلُ مَا عُيِدَ بِهِ الرَّحْمَنُ»... «مَا خَلَقَ اللَّهُ خَلْقًا أَكْرَمَ عَلَيْهِ مِنَ الْعَقْلِ» مراد از آن همان نیروی فهم و درک و معرفت انسانی است.⁶

به همین جهت ادراکی که انسان دل به آن می‌بندد و چیزی را با آن درک می‌کند، نیز عقل نامیده می‌شود.⁷ علامه طباطبایی (رحمة الله علیه) می‌گوید: خدای متعال در قرآن، عقل را به نیرویی تعریف کرده که انسان در دینش از آن بهره‌مند شود، و به وسیله آن راه را به سوی حقایق معارف و اعمال صالح پیدا نموده و در پیش گیرد.⁸

3. عبرت: عبرت از ریشه «عبر» گرفته شده است که به گفته لغت شناسان، اصل آن بر نفوذ و گذشتن از چیزی دلالت دارد⁹، موعظه¹⁰ و تذکر، اهمیّت دادن و اعتبار قائل شدن برای چیزی تفسیر کردن، عبور کردن، اشک باریدن ذکر شده است.¹¹

همچنین به الگو و اصلی که سایر نظایر و مشابه ها به آن ارجاع داده شده، با آن سنجیده می‌شود نیز عبرت گفته می‌شود.¹² لذا خلیل بن احمد، عبرت گرفتن را «پندگرفتن از گذشته» دانسته است.¹³

4. درک: درک به معنی پیوستن به شیء، رسیدن به آن و آگاه شدن از آن و عمل کردن به آن است. در فلسفه مدرسی درک به هر شناختی اطلاق می‌گردد که به موضوعی تعلق گیرد و از این جهت که فعل شخص مدرک است، می‌تواند توسط آن، به موضوع دست یابد. درک از نظر توماس آکویناس اولین مرحله عملیات سه‌گانه عقل است.

6. خلیل بی احمد فراهیدی، العین، پیشین، ج 5، ص 425

7. سید علی اکبر قرشی، قاموس قرآن، تهران: دارالکتاب اسلامی، 1371 ش، ج 7، ص 5، ص 25

8. سید محمد حسین طباطبایی، ترجمه المیزان فی تفسیر القرآن، تهران: اسلام، 1417 ق، ج 2، ص 375

9. محمد بن مکرم، ابن منظور، لسان العرب، بیروت، دارالفکر لطباعة، 1414 ق، ج 3، ص 325/خلیل بن احمد، فراهیدی، العین، پیشین

ج 2، ص 129/احمد بن فارس، معجم مقاییس اللغة، عبدالسلام محمد هارون، قم: مکتب اعلام السلامی، 1404 ق، ج 1، ص 4، ص 20

10. حسن مصطفوی، التحقیق فی کلمات قرآن، تهران: مرکز نشر آثار علامه مصطفوی، 1360 ش، ج 1، ص 8، ص 16

11. اکبر دهخدا، لغت نامه دهخدا، دانشکده ادبیات و علوم فارسی، 1373، ج 1، ص 3، ص 138

12. محمد علی بن علی تهنوی، موسوعه کشف اصطلاحات الفنون و العلوم، جورج زیناتی، بیروت، مکتبه بنان ناشرون، 1996 م، ج 1، ص 52

13. خلیل بین احمد فراهیدی، العین، پیشین، ج 5، ص 426

این عملیات سه‌گانه عبارت است از: تصور، حکم و استدلال. در این مرحله، درک، ادراک مفرد نامیده می‌شود که عبارت است از تصور بسیط یا علم اولی که همراه تصدیق نیست، برخلاف مفهوم که علم مرکب است¹⁴

به بیانی دیگر فهم ثانوی به درک است، یعنی تأخیری تر از درک می‌باشد؛ و ابتدا باید درک و دریافتی صورت پذیرد، (فرد ادراک کننده – ادراک مفرد) مُدرک، ادراک کند و پس از آن، موضوع را شاید فهم کند و شاید هم نکند.

5. نقد: یافتن و نشان دادن است تا اگر کسی خواست، راهش را بیابد و اگر خواست عذری نداشته باشد¹⁵ و در اصطلاح، واری و بررسی نوشتار، گفتار یا رفتاری برای شناسایی و شناساندن زیبایی و زشتی، بایستگی و نبایستگی، بوده‌ها و نبوده‌ها و درستی و نادرستی آنها است¹⁶. معنای انتقاد، یک فکر، اندیشه و یا رفتاری را در محک قرار دادن و به وسیله محک زدن به آن، سالم و ناسالم را تشخیص دادن است. یا نقد عقلانی یعنی جدا کردن سخن راست از سخن دروغ، سخن ضعیف از سخن قوی، سخن منطقی از سخن غیر منطقی، و خلاصه غربال کردن. یعنی عناصر درست را از عناصر نادرست جدا کردن. فرق است میان اینکه انسان از دو سخن، درستش را بگیرد و نادرستش را رها کند، و بین تجزیه کردن یک سخن، که انسان عناصر درستش را بگیرد و عناصر نادرستش را الغاء کند¹⁷

جایگاه ازاد اندیشی در قرآن

یکی از آزادی‌های مشروع و قانونی که در جوامع بشری بویژه در تمدن اسلامی بر آن تاکید شده آزادی تفکر و اندیشه است. این آزادی که یکی از نعمت‌ها و حقوق طبیعی و والای انسانی به شمار می‌آید. خدای سبحان با فرستادن پیامبران و کتب آسمانی، راه حق و باطل، راه هدایت و رستگاری و گمراهی و بدبختی را به انسان نشان داده است تا آزادانه بیندیشد و با انتخاب خود راه صحیح را برگزیند که در این رابطه در ایه ۲۹ سوره کهف را بررسی میکنیم: «وَقُلِ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكُمْ فَمَنْ شَاءَ فَلْيُؤْمِنْ وَمَنْ شَاءَ فَلْيُكْفُرْ»¹⁸ بگو:

¹⁴ . جمیل صلیبا_منوچهر صناعی دره بیدی، فرهنگ فلسفی، انتشارات حکمت، تهران: چ 1، 1366ش، ص ۳۴۹

¹⁵ . علی صفایی حائری، روش نقد، قم: لیلہ القدر، 1386، چ 2، ص 15.16

¹⁶ . احمد حسین شریفی، آیین زندگی، ج 23، ص ۸۲. ۸۴/ حسن مصطفوی، التحقیق فی کلمات القرآن کریم، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ص 107

¹⁷ . مرتضی مطهری، تعلیم و تربیت، تهران: انتشارات صدرا، 1382، ج 1، ص ۴۲

¹⁸ کهف: 29

وعلی جنوبهم ویتفکرون فی خلق السماوات والارض)⁴³ و به همین خاطر است که سرتاسر قرآن آکنده از داستان‌های تاریخی و پدیده‌های طبیعی و شگفت‌انگیز است تا فرد روی آورنده به قرآن با خواندن و درک و اندیشیدن در آن‌ها عبرت گرفته و صاحب بصیرت گردد. حضرت علی (علیه‌السلام) می‌فرماید: «شخص بینا تنها آن کسی است که چون سخن قرآن را بشنود، بیندیشد و چون نگاه کند بینش پیدا کند و از عبرت‌ها سود ببرد و ان را درک کند.»⁴⁴

برخی افراد به‌خاطر نداشتن تفکر و تعمق در مسائل، درک و بینش درستی از حوادث و اتفاقات نداشته و پیوسته با ارائه نظرات نادرست و تحلیل‌های اشتباه، افکار منفی و غلط را به افراد جامعه منتقل می‌کنند و همواره با ادعای فهم و درک فوق‌العاده‌ای که کسی دیگر بدان دست نیافته و نخواهد یافت، باعث ایجاد موج منفی در جامعه می‌شوند. زمانی که ما نگاه به گذشته می‌کنیم، از منظر دین، یعنی به گذشته توجه کنیم واز یافته‌های گذشتگان و اتفاقاتی که افتاده درک عمیق داشته باشیم. حضرت امیر (علیه‌السلام) با اشاره به همین نکته می‌فرماید: «لَا بَصِيرَةَ لِمَنْ لَا فِكْرَ لَهُ؛ بینش ندارد، آنکه اندیشه ندارد.»⁴⁵

3. نقد عالمانه و منصفانه از ادراک خویش

ما بسیاری از حوادث تاریخ را میدانیم ولی شاید درک درستی از آن نداشته باشیم و صرفاً می‌خوانیم. از لغزش‌های ما آرمیان این است که بسیاری از مسایل را بدون برهان و بی‌آنکه درک کنیم، مورد نقد و اعتراض قرار می‌دهیم. بحث درست دانستن اطلاعات از گذشته این است که آنچه که میدانیم درک کنیم اما آیا درک به تنهایی کافی است؟ رد و انتقاد از هر چیز، مسبوق به درک صحیح آن است.

در قرآن کریم آیاتی هستند که تصریح دارند انسان نباید بدون علم و آگاهی کافی نسبت به امور روی آنها اصرار و پافشاری نماید: «وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا» : «از آنچه به آن آگاهی نداری، پیروی مکن، چرا که گوش، چشم و دل همه مسئول‌اند»⁴⁶

همچنین علامه طباطبایی در باب عالمانه بودن ادراک فرمودند: به چیزی که علم به صحت آن نداری، معتقد مشو و چیزی را که نمی‌دانی، مگو و کاری را که علم بدان نداری مکن؛ زیرا همه اینها پیروی از

⁴³ .ال عمران:191

⁴⁴ . صالح صبحی ، نهج البلاغه، مصحح؛ جمعی از راویان ، قم: مرکز للبحوث الاسلامیه ، 1374 ش، خطبه ۱۵۳

⁴⁵ . عبدالواحد محمد تیمی آمدی، غررالحکم و دررالحکم ، پیشین، ج 8 ، ص 783

⁴⁶ . اسرا: 36

غیر علم است. پیروی نکردن از چیزی که بدان علم نداریم و همچنین پیروی از علم در حقیقت، حکمی است که فطرت خود بشر آن را امضاء می‌کند.⁴⁷

نقد و بررسی هنگامی سازنده و اصلاح‌گر است که ناقد از روی علم و آگاهی کامل نسبت به موضوع اقدام به نقد نماید، در غیر این صورت، اگر هر فرد ناآگاهی به خود اجازه نقد بدهد، نه تنها اصلاح و پیشرفتی صورت نمی‌گیرد، بلکه منجر به جبهه‌گیری و برخورد منفی نسبت به نقد می‌شود.

خیرخواهی و اصلاح، بستگی به فهم و درک مطلبی دارد که ناقد می‌خواهد نقاط ضعف و قوت آن را بیابد. فرمان خداوند متعال در مرحله نخست به همگان چنین است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ قُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا»: ای کسانی که ایمان آورده‌اید! تقوای الهی پیشه کنید و سخن حق بگویید.⁴⁸

همچنین علامه طباطبائی می‌فرماید: «پس بر مؤمن لازم است که به راستی آنچه می‌گوید مطمئن باشد و نیز گفتار خود را بیازماید که لغو و یا مایه افساد نباشد»⁴⁹ حال که فرد درکی درست، عالمانه و منصفانه نسبت به آنچه یافته دارد میتواند مسیر درستی را از باطل تشخیص دهند و آن را درک کند و آن را بپیماید.

نتیجه

خداوند متعال انسان‌ها را متمایز از دیگر موجودات آفرید. آنان با قوه تعقل و ازاد اندیشی که دارند همواره میتوانند راه صحیح را از باطل تخیص دهند. گاه استفاده از این قوه‌ها به نتایج درستی میرسد و انسان میتواند آگاهانه راه خود را بپیماید. گاه کورکورانه مسیر گذشتگان خود که آنان هم در جهل می‌زیستند طی میکند. بنابر این در ایه 170 سوره بقره که خداوند می‌فرماید: «وَ إِذَا قِيلَ لَهُمُ اتَّبِعُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ قَالُوا بَلْ نَتَّبِعُ مَا أَلْفَيْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا أَوْ لَوْ كَانَ آبَاؤُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ شَيْئًا وَ لَا يَهْتَدُونَ» و چون کفار را گویند: پیروی از شریعت و کتابی که خدا فرستاده کنید، پاسخ دهند که ما پیرو کیش پدران خود خواهیم بود. آیا بایست آنها

⁴⁷ . سید محمد حسین طباطبائی ، تفسیر المیزان ، پیشین ، ج 13 ، ص 94

⁴⁸ . احزاب: 70

⁴⁹ . سید محمد حسین طباطبائی ، تفسیر المیزان ، پیشین ، ج 16 ، ص 347

تابع پدران باشند گر چه آن پدران بی عقل و نادان بوده و هرگز به حق و راستی راه نیافته باشند . نتیجه گرفتیم که رابطه ازاد اندیشی و تعقل عبارتند از:

1. عبرت گیری از گذشتگان 2. درک عمیق یافته های ناشی از عبرت 3. نقد عالمانه و منصفانه از ادراک خویش که هر کدام از این موارد رابطه هایی هستند که از این ایه میتوان دریافت.

منابع

قرآن کریم

نهج البلاغه

1. ابن شعبه حرانی ، تحف العقول ، ترجمه علی اکبر غفاری ، تهران : نشر کتاب ، بی تا
2. ابو فتح رازی ، روض الجنان ، مصحح ؛ محمد مهدی ناصح ، محمد جعفر یاحقی ، استان قدس رضوی ، بنیاد پژوهش های اسلامی ، بی تا
3. احمد حسین شریفی ، آیین زندگی ، بی تا
4. احمد بن فارس ، معجم مقاییس الغله ، عبدالسلام محمد هارون ، قم : مکتب اعلام السلامی ، 1404 ق ، چ 1
5. احمد بن محمد بن علی المقرئ فیومی ، الصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر للرافعی ، قم : موسسه دارلهجره ، 1414 ق

6. اکبر دهخدا، لغت نامه دهخدا، دانشکده ادبیات و علوم فارسی، 1373، چ 1
7. جمال الدین محمد خوانساری، شرح غررالحکم و درر الکلم، موسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران، 1384
8. جمیل صلیبا، منوچهر صانعی دره بیدی، فرهنگ فلسفی، انتشارات حکمت، تهران: چ 1، 1366 ش
9. حسن بن علی علیه اسلام، تفسیر المنسوب الی الامام الحسن العسکری علیه اسلام، مصحح مدرسه امام مهدی علیه اسلام، قم: مدرسه امام مهدی علیه اسلام، 1409 ق
10. حسن بن یوسف علامه حلّی، الفین الفارغ بین الصدق والمین، موسسه اسلامیة للبحوث والمعلومات، قم: اسلام، 1381 ش
11. حسن مصطفوی، التحقیق فی کلمات القران کریم، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، بی تا
12. حسن مصطفوی، التحقیق فی کلمات قران، تهران: مرکز نشر آثار علامه مصطفوی، 1360 ش، چ 1
13. خلیل بن احمد فراهیدی، العین، قم: موسسه نشر اسلامی، 1410 ق
14. راغب اصفهانی. المفردات فی غریب القران، بیروت، دارالعلم دار الشامیه، 1412 ق
15. روح الله خمینی، اداب الصلاه، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، 1394 ش
16. سید عبدالله بن محمدرضا شبرحسینی، الاصول الاصلیه و قواعد الشرعیه، کتابفروشی منیر، 1242 م
17. سید علی اکبر قرشی، قاموس قران، تهران: دارالکتاب اسلامی، 1371 ش
18. سید علی نقی فیض الاسلام اصفهانی، ترجمه و شرح نهج البلاغه فیض الاسلام، 1367، چ 1
19. سید محمد حسین طباطبایی، ترجمه المیزان فی تفسیر القران، تهران: اسلام، 1417 ق
20. صالح صبحی، نهج البلاغه، مصحح: جمعی از راویان، قم: مرکز للبحوث الاسلامیه، 1374 ش
21. عبدالواحد محمد تمیمی آمدی، غررالحکم و درر الکلم، موسسه چاپ و انتشارات، 1384 ش
22. علی دوانی، سید رضی مولف نهج البلاغه، بنیاد نهج البلاغه، 1387 ش
23. علی صفایی حائری، روش نقد، قم: لیلہ القدر، 1386، چ 2
24. عمید زنجانی، فقه سیاسی، امیرکبیر، 1377 ش

25. محسن قرائتی ، تفسیر نور، تهران :مرکز فرهنگی درس هایی از قران ،1383ش
26. محمد باقر بن محمد تقی مجلسی ، بحار الانوار ، دارالکتاب اسلامیه ، 1386ش
27. محمد بن جدید طبری ، جامع البیان فی تفسیر القرآن ، مصحح ؛ احمد قیصر عاملی ، بیروت ، دارالمعرفه ، بی تا
28. محمد بن حسن طوسی، التبیان فی تفسیر القرآن ، مصحح؛ احمد قیصر عاملی ،بیروت ، دارالحیاء التراث العربی ، بی تا
29. محمد بن مکرم ،ابن منظور،لسان العرب،بیروت،دارالفکر لطباعه ،1414 ق
30. محمد بن یعقوب کلینی ، کافی، حسین استاد ولی ، دارلثقلین 1393ش
31. محمد بین حسین شریف رضی ، نهج البلاغه، محمد دشتی، الهادی، 1387 ش
32. محمد تقی مصباح یزدی ، جامعه و تاریخ از دیدگاه قران ، قم:انتشارات موسسه و پژوهشی امام خمینی (ره)، بی تا
33. محمد علی بن علی تهانوی، موسوعه کشف اصطلاحات الفنون و العلوم ،جورج زیناتی،بیروت،مکتبه بنان ناشرون ،1996م،چ1
34. مرتضی مطهری، تعلیم و تربیت، تهران : انتشارات صدرا،1382ق
35. مهدی فانی ومحمد حسین رجبی، استدلال کلامی ایه لا اکراه ، شهریور 1393 ش
36. ناصر مکارم شیرازی ،تفسیر نمونه ، دارکتب الاسلامیه ، 1380 ش